

نگاهی به زندگی ابن شهر آشوب

حسن اردشیری

در ساری، در خانواده‌ای عالم‌پرور متولد شد.^۱

جد و پدر بزرگوارش از عالمان جلیل القدر بودند؛ مثلاً جدش، مرحوم شیخ شهر آشوب از شاگردان برجسته و ممتاز شیخ طوسی رحمته الله به شمار می‌رفت. و والد ماجدش، شیخ علی نیز از مکتب پدر بهره‌مند گشته و از فقها و محدثینی بود که در ضبط

عالم فرزانه و دانشمند پرآوازه ایرانی، «ابو عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب سروری مازندرانی» معروف به رشیدالدین، یکی از بزرگان علم و عمل قرن ششم هجری می‌باشد. عالمی که علاوه بر لبریز کردن جان خویش از نور علم و تقوا، برای طالبان حقیقت و معرفت، همچون مشعل هدایتی گردید که هنوز، نور افشانی می‌نماید.

وی در ۴۸۸ و به قولی ۴۸۹ هجری قمری در بغداد و بنا بر قولی

۱. رباعان الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة و اللقب، استاد محمد علی مدرس، ج ۸، ص ۵۸، کتابفروشی خیام، ۱۳۷۴ ش.

حد کمال رسد و مجتهدی مسلم و عالمی ذوفنون گشته و در شهر بغداد که از شهرهای بزرگ اسلامی آن عصر بود و فرقه‌های مختلف اسلامی در آن شهر زندگی می‌کردند، مقیم گردد.^۳

اساتید

ابن شهر آشوب از اساتید بزرگوارى بهره برد که نامشان در جهان اسلام، همچون ستارگان درخشانده‌ای، متجلی است؛ عالمانی چون: شیخ ابوعلی فضل بن حسن طبرسی صاحب مجمع البیان، ابومنصور طبرسی صاحب احتجاج، ابوالفتوح رازی صاحب تفسیر رازی، قطب الدین راوندی و واعظ نیشابوری را می‌توان نام برد.^۴

و نقل اخبار و آثار اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تلاش بسیار نمود.^۱ ولی شهرت ابن شهرآشوب از پدر و جدش مضاعف شد و شهره آفاق گردید.

وی در این خانواده نورانی و دینی رشد نمود و توانست در سن ۸ سالگی حافظ کل قرآن گردد و به لقب حافظ مفتخر شود.^۲ بواسطه همین ویژگی، رشد و تعالی یافته، عطش وی برای تحصیل پیش‌تر شد. وی به شهرهای زیادی همچون مازندران، مشهد، نیشابور، سبزوار و حتی ممالک عراق، سوریه و ... سفر نمود تا بتواند از معارف اهل بیت علیهم السلام بهره‌مند شود. این تلاش پی‌گیر ابن شهرآشوب، باعث شد تا وی در علوم و فنون گوناگونی از قبیل: تفسیر، حدیث، فقه، اصول، قرائت، ادبیات عرب، شعر و غیره، به

۳. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۲۷، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و ... تهران، بنیاد اسلامی طاهر، ج اول، ۱۳۶۶.

۴. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، به کوشش عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم، دفتر نشر نوید اسلام، ج دوم، ۱۳۸۷، ص ۷۱۲.

۱. همان، ص ۵۹.

۲. همان.

ابن شهر آشوب از منظر دیگران
برای شناخت بهتر ابن
شهر آشوب رحمته الله، سخنانی از بزرگان
جهان اسلام ذکر می‌شود:

۱. محدث نامی «شیخ حرّ عاملی»
در مورد ابن شهر آشوب می‌نویسد:
«رشید الدین محمد بن علی بن
شهر آشوب سروی مازندرانی، عالم،
فاضل، ثقة، محدث و محقق، عارف
به رجال و اخبار، ادیب، شاعر و
جامع همهٔ نیکوییها بود.»^۱

۲. علامه «میرزا حسین نوری»
متوفی ۱۳۲۰ ق در خاتمه «مستدرک»
در توصیف ابن شهر آشوب می‌نویسد:
«فخر شیعه و تاج شریعت، افضل
الاولئ و دریای متلاطم ژرف
بی‌پایان، زنده کنندهٔ آثار مناقب و
فضائل (اهل بیت عصمت و طهارت)
رشد الملة و الدین، شمس الاسلام و
المسلمین، ابو عبدالله محمد بن علی
بن شهر آشوب بن ابی نصر بن

کتاب «کشاف و فایق» و «ربیع
الابرار» را نزد خود زمخشری که
مؤلف آنهاست خوانده و در روایت از
آنها اجازه داشته است و گاهی به یک
واسطه و گاهی به دو واسطه از «شیخ
طوسی» روایت نموده است.^۱ همچنین
از «ابوالفتح ناصح الدین عبدالواحد
آمدی. (م ۵۱۰ق)» صاحب «غرر
الحکم و درر الکلم» نیز روایت نموده
است.^۲

شاگردان

از میان بزرگوارانی که از محضر
نورانی ابن شهر آشوب استفاده
نموده‌اند، می‌توان به بزرگانی چون:
سید محمد بن زهره حلبی،
سید کمال‌الدین حیدر حسینی، شیخ
یحیی بن محمد سوراوی، شیخ جمال
الدین علی بن شعره حلّی جامعانی،
شیخ تاج‌الدین حسین بن علی دربی
و ... اشاره نمود.^۳

۱. ریحانة الادب، ج ۸، ص ۵۹.

۲. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۲۷.

۳. فوائد الرضویه، ص ۷۱۲ و ۷۱۳.

۴. امل الآمل، شیخ حرّ عاملی، تهران، دار الکتب

اسلامی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۲۸۵.

ابی الجیش سرروی مازندرانی، فقیه، محدث، مفسر، محقق، ادیب عالیقدر و جامع متون فضائل، صاحب کتاب «مناقب» که از تفاسیر کتب امامیه است...»^۱

عالمان و فضیلاي اهل سنت نیز در مورد ابن شهر آشوب و جلالت و بزرگواری اش سخن سرایی نموده‌اند که به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم:

۳. «سلاح الدین صفّدی» متوفی سال ۷۶۴ می‌نویسد: «محمد بن شهر آشوب، ابو جعفر سرروی مازندرانی، رشید الدین شیعی» از رؤسای شیعه است، در زمانی که هشت سال داشت، بیش‌تر قرآن را از بر کرد. او در اصول شیعه به حدّ نهای رسیده، و از شهرها و کشورها برای اخذ علم به سویش می‌شتافتند. وی در علوم قرآن و مشکلات حدیث و لغت و نحو و وعظ در منبر، در

زمان «المقتضی» خلیفه عباسی [بر همه] تقدم داشت.^۲

سفرهای ابن شهر آشوب

درباره سفرهای علمی وی، نوشته‌اند که ایشان به دنبال درگیری با حکمران مازندران، آن دیار را ترک کرده و رهسپار بغداد شد.^۳

پس از مدتی اقامت در بغداد و در دوران خلافت مستضیء (۵۷۴ق) به سبب سعی او در گسترش عقاید و افکار حنبلی و اقتدار علمای حنبلی، بغداد دیگر مکان مناسبی برای ادامه فعالیت ابن شهر آشوب نبود؛ از اینرو، در اوایل خلافت مستضیء به حله رفت و در ۵۶۷. ق در آنجا به تدریس پرداخت.^۴ و ظاهراً در همین

۲. تأسیس الشيعة، سید حسن صدر، تهران، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۶۹ ش، ص ۲۷۲.

۳. دائرة المعارف، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۰، تهران، ج اول، ج ۴۰، ص ۹۰، س ۲.

۴. کتاب سلیم - سلیم بن قیس هلالی، مؤسسه اعلمی، بیروت، بی تا، ص ۶۳.

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج اول، ۱۴۱۵ ق، ج ۵، ص ۳۱۰.

قرار داده و مجالس وعظ وی بسیار مورد توجه بوده است.

در ایام حکومت «مقتضیء عباسی» در شهر بغداد به منبر می‌رفت که در یکی از موارد، مواعظ او مورد شگفتی و تحسین خلیفه واقع گردید و خلعتی به ایشان بخشید.^۳ همچنین منصب تدریس در شهر بغداد را به وی اعطا کرد.^۴

البته این سیره ابن شهرآشوب، در زمان اقامت‌اش در حلب - که تا پایان عمر شریفش ادامه داشت - نیز استمرار یافت و در آن شهر نیز به وعظ و تدریس مشغول بود. و مردم از محضر او استفاده‌ها می‌کردند.^۵

از جمله ویژگی‌های ابسن شهرآشوب، بر اساس تذکره‌ها، ملیح‌المحاوره بودن آن جناب بوده

سفر، ابن ادیس و ابن بطریق از وی حدیث شنیدند.^۱

ظاهراً سفر وی به موصل به هنگام وزارت «جلال الدین ابوالحسن علی بن محمد» در ۵۷۱. ق صورت گرفته و احتمالاً با عزل او از وزارت در سال ۵۷۳. ق، ابن شهرآشوب موصل را به مقصد حلب که در آن زمان «حمدانیان» پناهگاه شیعیان شده بودند، ترک کرده است.^۲

تبلیغ، خطابه و منبر

از خصایص دیگر ابن شهرآشوب، این بوده است که با وجود کثرت تألیفات و آثار، و جلالت شأن - که متأسفانه، امروزه باعث دوری از وعظ و خطابه می‌شود - وعظ و خطابه را

نیز وسیله تبلیغ معارف اهل بیت علیهم‌السلام

۱. الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۳، ج ۲، ج ۲۰، ص ۱۷۵ و خصائص الوحي المبين، ابن بطریق، به کوشش محمودی، تهران، ۱۴۰۶، ص ۲۴.

۲. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۱، س ۱.

۳. ریحانة الادب، محمدعلی مدرس، ج ۸، ص ۵۹.

۴. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۳۷.

۵. مقدمه استاد عباس اقبال بر معالم العلماء،

تهران، سنه ۱۳۵۳ق، مطبعه فردین، ص ۱۰.

است^۱ که این ویژگی به خودی خود، باعث تقویت ارتباط یک مبلغ با مردم می‌شود.

در محضر مفاخر دانشمندان شیعه و سنی

ابن شهر آشوب در آموختن علم، خود را محدود به علمای یک فرقه و مذهب ننمود. با اینکه در تراجم، ایشان را پس از شیخ طوسی، به شیخ الطایفه معروف نموده‌اند و او را محیی و مروج فرهنگ شیعی و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام دانسته‌اند؛ اما در آموختن، خود را محدود به علمای شیعه ننمود؛ بلکه ایایی نداشت از اینکه در محضر علمای عامه (اهل سنت) نیز زانوی ادب بزند و تلمذ نماید. تقریباً نیمی از اساتید وی از علمای طراز اول عامه بودند؛ افرادی چون: زمخشری صاحب کشاف و ... همچنین خود را محدود به یک یا دو استاد ننمود؛ بلکه تلاش نمود تا از اکثر علمای بزرگ عصر خود (یعنی

نیمه اول قرن ششم) استفاده نماید؛ و از آنها در روایت آثارشان اجازه دریافت کند؛ تا آنجا که بعضی از تذکرها تعداد اساتید وی را به ۲۷ تن می‌رسانند.^۲ این تلاش پی‌گیر ابن شهر آشوب بود که وی را دانشمند و سخنوری بزرگ که مورد قبول عامه و خاصه بود، ساخت.

آثار ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب علاوه بر تبلیغ اسلام و معارف اهل بیت علیهم السلام، آثار ارزشمندی نیز به یادگار گذاشت که هر کدام همچون ستاره‌ای در عالم اسلام می‌درخشند. اسامی کتابهای او به شرح زیر است:

۱. مناقب آل ابی طالب؛

۲. الاربعین فی مناقب سیده النساء،

فاطمة الزهراء؛

۳. متشابه القرآن؛

۴. الاسیاب و النزول علی مذهب

آل الرسول صلی الله علیه و آله

۲. مفاخر اسلام، علی دوانی، تهران، انتشارات

امیرکبیر، ج اول، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۹۹.

۱. ریحانة الادب، محمدعلی مدرس، ج ۸، ص ۵۹.

آن در سه جلد با تصحیح جمعی از فضلالی نجف اشرف در آن شهر مقدس می‌باشد، که البته امروز در همان سه جلد، توسط انتشارات مختلف به چاپ رسیده است.

این کتاب که نموداری از تحقیقات و مهارت ابن شهر آشوب در تاریخ و حدیث است، مشتمل بر تاریخ حیات چهارده معصوم و فضائل و مناقب آن ذوات مقدس علیهم‌السلام و آنچه بستگی به شخصیت آنان دارد، می‌باشد.

ابن شهر آشوب در مقدمه مناقب به تفصیل و با عباراتی نغز و دلکش، علت تألیف این کتاب را شرح می‌دهد و از کتب شیعه و سنی و گفتار علمای فریقین و شعرای مشهور عرب برای اثبات مدعای خود شاهد می‌آورد که از هر جهت جالب، پرارزش و حاکی از وسعت نظر، همت عالی و شهامت آن بزرگ مرد علم و دین است.

به گفته محدث نوری: «کتاب مناقب که در زمان ما و زمانهای پیش‌تر تا عصر علامه مجلسی در

۵. معالم العلماء؛

۶. انساب آل ابی طالب علیهم‌السلام؛

۷ و ۸. مناقب النواصب و مائده

الفائدة؛

۹. المحزون المکنون فی عیون

الفنون؛

۱۰. اعلام الطرائق فی الحدود و

الحقاتق و الاوصاف؛

۱۱. المثال فی الامثال و الاسباب؛

۱۲. الحاوی؛

۱۳. الانصاف؛

۱۴. المنهاج و ...^۱

از میان آثار او، سه کتاب؛ یعنی «مناقب» و «معالم العلماء» و «متشابه القرآن» دارای معروفیت بیش‌تری می‌باشند که به‌طور مختصر به معرفی آنها می‌پردازیم:

۱. مناقب آل ابی طالب علیهم‌السلام؛

کتاب «مناقب آل ابی طالب» معروف‌ترین اثر گرانبهای ابن شهر آشوب است که تاکنون مکرر چاپ و منتشر شده و بهترین چاپ

۱. فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ص ۷۱۱.

از جمله ویژگیهای ابن شهر آشوب، بر اساس تذکره‌ها، ملیح‌المحاوره بودن آن جناب بوده است که این ویژگی به خودی خود، باعث تقویت ارتباط یک مبلغ با مردم می‌شود

۲. معالم العلماء

کتاب کوچک؛ ولی گرانقدر «معالم العلماء» یکی دیگر از تألیفات ابن شهر آشوب است که به سال ۱۳۸۰ هـ. ق در نجف اشرف با قطع رقعی در ۱۶۰ صفحه با مقدمه آقای «سید محمد صادق بحر العلوم» از دانشمندان نجف به طبع رسیده است. در ایران نیز این اثر در سال ۱۳۵۳ هـ. ش در تهران و مطبعه فردین با تصحیح استاد عباس اقبال به چاپ رسیده است.

ابن شهر آشوب در این کتاب کم حجم جمعاً ۱۰۲۱ تن از دانشمندان شیعه را نام برده و شرح حال آنها و

دسترس بوده و می‌باشد، اصل آن نیست؛ بلکه مختصر آن است که «ابن جیبیر» یادگیری آن را برگزیده است. کتاب کنونی مناقب تا زندگانی حضرت امام حسن عسکری رحمته الله علیه را شرح داده است و شرح حال امام زمان رحمته الله علیه را در آن نمی‌بینم. دانشمندان پیش از ما مانند علامه مجلسی و شیخ حر عاملی نیز چیزی از آن راجع به امام زمان رحمته الله علیه نقل نکرده‌اند.

شاید به نظر رسد که ابن شهر آشوب موفق به نگارش این قسمت نشده است؛ ولی از این که در «معالم العلماء» ضمن شرح حال شیخ مفید می‌نویسد: «امام زمان او را ملقب به مفید کرده است و ما علت آن را در مناقب آل ابی طالب نقل کرده ایم.» می‌رساند که او شرح حال امام زمان را نوشته است؛ ولی این قسمت از اصل کتاب ساقط شده است.^۱

حذف شده است، نموده‌ام؛ هر چند کتابها بیش از اینها بوده است... بعد از ذکر اسامی مصنفین، اسامی شعرای مشهور اهل بیت علیهم‌السلام را به قدر وسع و طاقتی که داشته‌ام، آورده‌ام.^۱

۳. متشابه القرآن و مختلفه:

این کتاب که در تفسیر قرآن می‌باشد و آیات متشابه قرآن مجید را مورد بحث قرار داده است، در سال ۱۳۶۹ هـ در تهران در دو جلد چاپ و منتشر شده است. علامه فقید «سید هبة الدین شهرستانی» گفتاری پیرامون این کتاب دارد، و از جمله نوشته است: «این کتاب گرانقدر دارای سبک و اسلوب زیبا و در اعصار و شهرها و ممالک، مورد توجه خاص دانشمندان بوده است. و چه بسا که نخستین کتاب در موضوع خود باشد. مصنف علامه و ذوفنون آن، آیات متشابه قرآن را نخست از ابواب توحید، سپس عدل و تنزیه خداوند،

آثارشان را به اجمال و گاهی به تفصیل معرفی کرده است. او این کتاب را مانند «فهرست» هم عصرش، شیخ متجب الدین رازی در گذشته بعد از ۶۰۰ هـ به عنوان تتمه «فهرست» شیخ طوسی رحمته‌الله نوشته است؛ ولی معلوم نیست که طرفین یا یکی از آنها از تألیف دیگری که مشابه هم می‌باشد، خبر داشته‌اند. خود ابن شهر آشوب در مقدمه معالم العلماء می‌نویسد:

«این کتاب - معالم العلماء -

درباره فهرست کتب شیعه و اسامی مصنفین قدیم و جدید آنهاست؛ هر چند شیخ بزرگوار ابو جعفر طوسی - رضی الله عنه - فهرستی نوشته است که در آن عصر نظیر نداشته؛ ولی این مختصر دارای مطالب اضافی و فوائدی است که در آن نیست؛ بنابراین کتاب ما تتمه فهرست شیخ طوسی است. من در این کتاب نزدیک ششصد کتاب را زاید بر کتب موجود در فهرست شیخ آورده‌ام، و اشاره به کتبی که از فهرست وی

۱. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، تصحیح عباس اقبال، مطبعة فردین، تهران، ۱۳۵۳ ق، ج اول، ص ۱.

و پس از آن ابواب امامت تا معاد را مورد بحث و بررسی قرار داده و از آن پس ابواب فقه و تشریح احکام اسلامی را به ترتیب کتب فقهی مطرح ساخته، و در آخر از فنون ادبی و عربی قرآن سخن گفته است.

فصاحت و شیوایی لفظ، بلاغت و رسایی معنی آن با ایجاز و اختصاری که ابن شهر آشوب در آن رعایت کرده است، اقتضای آن را دارد که این کتاب نفیس جزء برنامهٔ درسی قرار گیرد.^۱

عروج ملکوتی

ابن شهر آشوب رحمته الله علیه سالهای پایانی عمر خویش را در شهر حلب به سر برد و در آنجا به تبلیغ معارف اهل بیت علیهم السلام پرداخت و پس از یک عمر تلاش خالصانه فرهنگی، تبلیغی، در شب جمعه ۲۲ شعبان المعظم ۵۸۸ هجری قمری، روح بلندش به عالم باقی پیوست و در بیرون «حلب» در

بالای کوه معروف به «جبل جوشن»^۲ مدفون گشت.^۳

محدث بزرگوار، شیخ عباس قمی رحمته الله علیه در کتاب «الکنی و الالقاب» خود ابیاتی را از «ابن ابی الطی» در وصف ابن شهر آشوب به شرح زیر نقل کرده است:

«هو البحر لا یل دون ما علمه البحر
هو البدر لا یل دون طلعتہ البدر
هو النجم لا یل دونہ النجم رتبه
هو الدر لا یل بدون منطقه الدر
هو العالم المشهور فی الدهر و الذی
بین ارباب النهی افتخر الدهر»
البته به خطا وفات او را در «مشهد گنج افروز» از قُرَای بابل (مازندران) دانسته‌اند، و اظهار داشته‌اند که آرامگاه او در آنجا زیارتگاه مردم است.^۴ که این انتساب صحیح نبوده، لازم است تا در مورد عالم مدفون در آن مکان شریف تحقیق به عمل آید.

۲. فوائد الرضویه، ص ۷۱۲.

۳. ریحانة الادب، ج ۸، ص ۶۵.

۴. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۹۱.

س ۱.

۱. رک: مفاخر اسلام، ص ۵۵ - ۵۰۲ (در معرفی

این اثر از این کتاب شریف با تصرفات و

اضافات استفاده شده است.)